



غرب و معضل شکست در جنگ اوکراین!

خالد حاج محمدی

فواد عبداللهی

۱۰۶ سال پیش، جهان شاهد زمین لرزه‌ای بود که مسیر حرکت نظام سرمایه‌داری را تغییر داد. انقلاب کارگری اکتبر طلوع جدیدی را برای کارگران جهان، این بردگان مزدی در نظام سرمایه‌داری، رقم زد و برای نخستین بار ثابت کرد که انقلاب سوسیالیستی و کارگری ممکن است. تحول عظیمی که بارقه‌های آن سراسر جهان وقت را گرفت و امید بشر به برابری و رهایی از بردگی مزدی، فقر، جنگ و تمام اشکال تبعیض در جهان وارونه سرمایه‌داری را نمایندگی کرد.

آرمان‌ها و اهداف انقلاب اکتبر علیه‌رغم شکست آن توسط بورژوازی، با وضعیت امروز در سراسر جهان مرتبط است. بردگی مزدی و نابرابری، علیه‌رغم دگرگونی عظیم در شکل کار و تولید، نه تنها از بین نرفته بلکه عمیق‌تر شده است. با پیشرفت غیرقابل تصور علم و فناوری، بیکاری از سر و کول جوامع انسانی بالا رفته است. رباتیک‌سازی عرصه کار نه فقط به کاهش زمان کار انسانی نیانجامیده، بلکه دو شیفت کاری و دو شغل داشتن برای امرار معاش طبیعی جلوه می‌کند! با «بیوتکنولوژی» در پزشکی می‌توان اکثر مشکلات و بیماری‌های گریبان‌گیر بشر را علاج کرد، در حالی که میلیون‌ها انسان در این نظام از دسترسی به دارو عاجزند. تمام پیشرفت بشر در خدمت به سودآوری سرمایه و تولید اسلحه و جنگ اجیر شده است. هیچ آماری یافت نمی‌شود که به نابرابری‌های آشفتگی موجود در جهان امروز اشاره نکنند، آن‌هم در شرایطی که ثروت تولید شده از گرده نیروی کار انسانی در سراسر جهان مدام در حال افزایش است. هیچ‌گاه به اندازه امروز، محیط زیست و بشریت در معرض خطر نابودی نبوده است. جهان امروز در مقایسه با دوره انقلاب اکتبر، به مراتب نظامی‌تر و خطرناک‌تر است. زرادخانه‌های تسلیحاتی قدرت‌های جهانی برای نابودی سه سیاره اکتفا می‌کنند. خاورمیانه، حمله نظامی به عراق، سوریه، لیبی و کشتار خونین مردم فلسطین تنها کانون‌های جنگ و بحران نیستند. از خاورمیانه تا آسیای جنوب شرقی، از اوکراین تا آفریقا، بوی باروت می‌دهند. قدرت‌های سرمایه‌داری همه دست بر ماشه‌اند و تهدید به جنگ اتمی می‌کنند. روش‌های اعمال محدودیت بر اندیشه و آزادی بیان در «دمکراتیک‌ترین» کشورهای سرمایه‌داری توسط دولت‌های بورژوازی به یک امر طبیعی تبدیل شده است. کثیف‌ترین اندیشه‌های فاشیستی و نیروهای دست راستی بر مسند قدرت سوار شده‌اند و در پناه رسانه‌ها و میدیای نان به‌نرخ روزخور در حال از بین بردن خوشبینی و امید به بهبود و تغییر آن هستند. اغراق نیست اگر بگوییم در قیاس با دوره انقلاب اکتبر، امروز همان چیزی را تجربه می‌کنیم که بشریت در دوره دو جنگ جهانی از سر گذرانده است. ... صفحه ۲

در دل نسل کشی در نوار غزه، زمزمه ضرورت مذاکره و «توافق» میان اوکراین و روسیه به واقعیت و مسئله روی میز دول غربی تبدیل شده است. قطع رسمی و غیر رسمی کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین، به بهانه کمک به اسرائیل برای ادامه پاکسازی قومی و نسل کشی در نوار غزه و کرانه باختری، آغاز پایان جنگ اوکراین و آغاز افسانه «دفاع از دموکراسی» و اروپا از خطر حمله روسیه بود. نسل کشی اسرائیل در نوار غزه و سیل «من با اسرائیل ایستاده‌ام» آمریکا و اتحادیه اروپا، قرار است سرپوشی بر بن بست و شکست غرب در اوکراین باشد.

جنگ در اوکراین ماهها است به بن بست رسیده و میدان جبهه های جنگ تغییری نکرده است. براساس تمام اخبار خبرگزاری ها و منجمله خبرگزاری های غربی و مقامات مختلف و صاحب نظران این قطب، «ضد حمله تابستانی» اوکراین و تمام وعده و وعید پس گرفتن مناطقی که از دست داده است، پوچ شد و هوا رفت. امروز سیل امید به هر درجه پیشروی و «موفقیت غرب در اوکراین»، «منزوی کردن روسیه» و ... همگی نزد متوهم ترین، سطحی ترین و جنگ طلب ترین شخصیت‌های اوکراین و متحدین او در غرب، به ناامیدی یاس و بن بست و تلاش برای یافتن راه فرار از اعلام رسمی شکست در این جنگ تبدیل شده است. معلوم شد پیروزی میلیتاریسم غربی دیگر سرائی بیش نیست!

اکنون و بعد از گذشت يك سال و نه ماه از جنگ همه جانبه، نتیجه ای جز تلفات انسانی سنگین نیروهای نظامی اوکراین و مردم بیگناه در اوکراین نداشته است. نتیجه ماهها تلاش در وادار کردن مردم و بردن آنها به جنگ با وعده پیروزی، گسیل میلیاردها دلار تسلیحات به اوکراین، تهییج و تشویق دولت راستی اوکراین به ادامه جنگ این شد که امروز عملاً نیروی جوان و آزموده ای در اوکراین برای ادامه این جنگ باقی مانده است. گفته میشود امروز میانگین سنی نیروی اوکراین در این جنگ ۴۵ ساله است. نیروهای اوکراینی روحیه باخته و ناامید از عهده این جنگ و حتی امکان حفظ موقعیت شکست خورده کنونی را هم ندارند. اکنون بسیاری از روسا و فرماندهان اوکراین به این حقیقت واقفند که هیچ پیشروی نه تنها ممکن نیست که حفظ موقعیت کنونی هم امکان پذیر نیست.

دول غربی در این جنگ همه امکانات از اسلحه و پول و مستشار نظامی، تا رسانه و دستگاه تولید دروغ و مهندسی افکار عمومی را در اختیار اوکراین قرار دادند. ... صفحه ۳

کردستان جای قلدری و اخاذی نیست!

(در حاشیه تهدیدات پ ک ک)

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی
برابری
حکومت کارگری

کردستان جای قدری و اخاذی نیست! (در حاشیه تهدیدات پ ک ک)

اخیرا «بیانیه ای» به امضای فرماندهی یگانهای مدافع روژهلالت کردستان (ی ک ک) (شاخه های نظامی پ ک ک) خطاب به مردم کردستان ایران، در سایت قرات نیوز متعلق به این جریان، منتشر شده است. در این بیانیه پس از آسمان و ریسمان بافتن در مورد «پروژه مزدور سازی جمهوری اسلامی» و «دفاع از طبیعت و مقابله با شکار حیوانات و...» اعلام کرده اند که مردم حق آمد و رفت به مناطق کوهستانی، که محل «اخفای نیروهای آنها» است، را ندارند!!! فرماندهی نظامی پ ک ک پس از خط و نشان کشیدن نهایتا مردم را تهدید کرده است که عواقب مسئولیت عدم توجه به «فرمان» شان پای خودشان است!!! در این بیانیه آمده است:

«همانطور که مردم ما آگاهند روژهلالت کوردستان و ایران در مرحله جنگ جهانی سوم تحت سیطره سیاست قحطی و سرکوب می خواهند اراده جامعه را بشکنند و آنها را سرکوب کنند. به همین مناسبت، در چهارچوب سیاست مزدورسازی و تبدیل به جاسوس نمودن تعدادی از ضعیف ترین افراد جامعه، سعی در طولانی نمودن عمر حکومت خود را دارند. لذا به بهانه های مختلف (از قبیل شکار گردشگری، کوهنوردی و...) در مناطقی که یگان های گریلاهای آزادی بخش روژهلالت کوردستان در حال فعالیت هستند، اقدام به افشای محل و تعقیب و ضربه زدن به آن ها می کنند.»

بیانیه ادامه میدهد:

«بدین منظور به خلق خود هشدار می دهیم که انجام هرگونه گشت و گردشگری، شکار و بهانه های مختلف در این مناطق که یگان های ما در آن فعالیت می کنند، به معنای آشکار ساختن محل و موقعیت رفقای ما و در نتیجه خدمت به اشغالگران میهنمان خواهد بود. بنابراین در صورت مواجهه و شناسایی، تحت تعقیب لازم قرار خواهند گرفت و در چنین شرایط ناخوابسته، خود این افراد مسئول خواهند بود.»

پ ک ک در ادامه اعلام میکند که «نواحی کوهستانی زاگرس به طور کلی و به ویژه در کبیر کوه، مانشت، پراو، آژوان، دالاهو، شاهو، کوسالان، قلی برد، شانشین و منطقه چلچمه، کوه های موکریان تا دالانپس، تا کوهستان های اورین»، شامل این حکم حداد و شداد میشوند. بر اساس این احکام صدها هزار انسان که زندگی و درآمد و معیشت آنها در این مناطق با دآمداری، کشاورزی، زنبور داری، چادر نشنی، میوه چینی، تهیه لبنیات، دهها کار و شغل دیگر تامین میشود، باید از فردا برای «حفاظت از گریلاهای» پ ک ک دست از کار و زندگی خود بردارند، خانه و کاشانه، مراتع و مزارع خود را جا بگذارند و کوچ کنند!!! دهها هزار انسان که روزانه به این کوهستانها میروند، کوهنوردی و تفریح میکنند، گردشگرند و از طبیعت لذت میبرند، به حکم «ارباب جدید کردستان»، از این کارها محرومند. پ ک ک با این بیان رسما اعلام میکند مسئولیت هر نا امنی در این مناطق، مسئولیت هر تعرضی به هر فردی به پای این نیرو نوشته میشود و در مقابل مردم کردستان جوابگو هستند. این اعلام جنگ رسمی نیرویی است که تلاش میکند نقش سپاه پاسداران و «پیشمرگان مسلمان» و مزدوران جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان را بازی کند. بی تردید هر انسان فهیمی با دیدن این بیانیه و احکام «ممنوعیت»، «مجازات» و «تنبیه» از خود میپرسد اینها دیگر کی هستند؟ واقعا

انقلاب اکتبر و جهان...

۳۵ سال پس از شکست بلوک شرق که فقط نامی از سوسیالیسم داشت، و اعلام «پیروزی دموکراسی بازار آزاد»، بشریت شاهد یکی از سیاه ترین دوره های تاریخ خود است. سه دهه پس از نعره های گوشخراش «شکست کمونیسم» و «شکست سوسیالیسم»، نتایج این «پیروزی» با چیزی جز جنگ، فقر و فلاکت، با نسل کشی و میلیتاریسم، آوارگی میلیونی و تباهی زندگی میلیون ها نفر در خارومیانه و افریقا و جز با رشد فاشیسم و نژادپرستی، با مرگ آزادی و رفاه و برابری در غرب، تداومی نمی شود. ۳۵ سال پس از فریاد «پیروزی دموکراسی بازار»، بشریت متمدن به حق مشروعیت «دموکراسی پارلمانی»، «جامعه جهانی» و نمایندگان آن را زیر سوال برده است. امروز به حق این پرسش که کنترل زندگی بشر در دست چه نظام مخوف و ضدانسانی قرار گرفته است، در حال تبدیل شدن به یکی از مسائل مهم دنیای امروز است. میدان برای دیسکورس چپ، برای عرصه عمل طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه باز شده است. جسارت رویای جهانی بدیل و عادلانه که آرمان انقلاب اکتبر بود، دوباره گل کرده است. با بحران سیاسی و فکری که نظام سرمایه داری، بویژه متاخترترین الگوی آن یعنی دموکراسی غربی، بدان دچار شده است، طبیعی است که لزوم انقلاب سوسیالیستی و کارگری بعنوان وسیله ای برای رهایی انسان و تحول تاریخ واقعی جامعه بشری پا به میدان بگذارد. وقتی سیادت ایدئولوژیک بورژوازی در جهان زیر سوال است و دیگر کسی برای اقتصاد بازار و دموکراسی غربی و صندوق رای در این نظام، به به و چه چه می کند، یعنی تئوری «تغییر بدون انقلاب» منسوخ شده است.

امروز زمان برای برهم زدن توازن قوا میان بورژوازی و طبقه کارگر، میان حاکمان و محکومان مهیا گشته است. دنیای معاصر در بحران و بی افقی غوطه ور است. بخش اعظم ساکنین این جهان دیگر حاضر نیستند از فقر و فلاکت بپزند، قربانی استثمار کشنده و طاقت فرسای سرمایه داری، جنگ های ایتها، ملی گرایی

بیانیه نویسان پ ک ک فکر میکنند در موقعیتی هستند که این احکام و دستورات را علیه مردمی که سالها با سیاستهای جمهوری اسلامی در «ممنوع کردن» رفت و آمد به مناطقی، کوچ دادن آنها از مناطق مرزی و کوهستانی به بهانه امنیت نیروهایش در مقابل اپوزیسیون خود، مبارزه کرده اند و نهایتا جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی کردند، صادر کنند؟ بر اساس بیانیه «فرماندهی پ ک ک» تقریبا همه مناطق کوهستانی کردستان ایران و حتی کرمانشاه ملک طلق «نیروی گریلا» پ ک ک است و با فرمان «سپاه پاسداران» جدید، مردم کردستان تقریبا اجازه زندگی و حضور در این مناطق را ندارند. آیا هیچ عقل سلیمی قبول میکند که مردم کردستان برای چنین احکامی تره خرد کنند؟ مستقل از ظرفیت پ ک ک و اقداماتش در قلدیری، زورگویی و اخاذی علیه مردم، عقل و تناسب حرف و توان عملی کردن آنهم پدیده ای است. پ ک ک در کردستان ایران چکاره است که جسارت میکند چنین بی محابا، پادروا، غیرمستولانه علیه زندگی بخشی از مردم کردستان با توجیه «جاسوس پیروزی» برای جمهوری اسلامی مردم را تهدید کند؟ نیرویی که بیش از سی سال است دفتر و دستک خود را در ایران و در شهرهای مختلف و با حمایت جمهوری اسلامی پهن کرده است و سابقه طولانی در دفاع از جمهوری اسلامی دارد، در موقعیتی نیست که با پز «مبارزه با مزدور سازی» جمهوری اسلامی مردمی که چهل سال سابقه مبارزه با جمهوری اسلامی دارند را تهدید کند و برایشان خط و نشان بگذارد. لباس حاکم و قلندر و فلچماق محل برای تن پ ک ک زیاد گشاد است. بیانیه پ ک ک مستقل از عدم تناسب احکام و تهدیدات آن با توان پ ک ک در ایران، درجه بالای ضدیت این جریان با زندگی اجتماعی مردم را نشان میدهد. این بیانیه عمق ارتجاع حاکم بر پ ک ک و در عین حال ظرفیت بالای این جریان در کشتن و ترور و جنایت، زورگویی و باجگیری و اخاذی از مردم را به نمایش میگذارد. این بیانیه را هیچ نیروی واقعی و اجتماعی که پایش روی زمین است و نفوذ و اعتباری در جامعه دارد را نمیتواند بدهد. رابطه مردم کردستان با اپوزیسیون جمهوری اسلامی در بیش از ده سال فعالیت علنی و نظامی در کردستان، در دل جنگ با جمهوری اسلامی و در دوره حاکمیت خود در مناطق آزاد، رابطه ای برابر، آزاد و متمدنانه بوده است. سنت ارباب رعیتی و فتودالی احزاب سنتی کرد، هیچ زمانی نتوانست به رابطه مردم و احزاب سیاسی در کردستان تبدیل شود. کردستان ایران به یمن سالهای فعالیت ما کمونیستها، به یمن سالها فعالیت احزاب اجتماعی و سیاسی، جایی برای عریده کشی فاشیستی علیه مردم نگذاشته است. نه مردم کردستان اجازه چنین شکرخوردن هایی به پ ک ک میدهند و نه پ ک ک توان و قدرت فاشیستهای حاکم بر ایران را دارد. پ ک ک جای «مهمان» ناخوانده و صاحبخانه را عوضی گرفته است. پ ک ک و رهبری آن باید دست و پای خود را جمع کنند. شعور، تشخیص و رعایت تناسب هم چیزی خوبی است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ آبان ۱۴۰۲ - ۸ نوامبر ۲۰۲۳

و نژادپرستی افسارگریخته، تجاهل مذهبی و سلطه قرون وسطایی آخوند و کشیش و تبلیغات مسخ کننده و ارتجاعی ژورنالیسم چاکرمنش سرمایه داری باشند. شکست «دموکراسی بازار آزاد» و «نظام پیروز» دنیای دو قطبی، ضرورت سوسیالیسم و انقلابات سوسیالیستی را یکبار دیگر روی میز طبقه کارگر و بشریت آزادی خواه آورده است.

اگر انقلاب اکتبر امروز موضوعیتی دارد همین نکته است که انقلاب کارگری علیه نظام سرمایه داری امر ممکن است. انقلاب علیه سرمایه داری با وحدت اراده طبقه کارگر حول اندیشه های سوسیالیستی و به اعتبار حزب کمونیستی خود، کاملا ممکن است. اکنون پس از گذشت صد و شش سال از انقلاب اکتبر، هنوز میلیون ها کارگر سوسیالیست و مبارز وجود دارند که برای خلاصی از بردگی مزدی و رهایی از مناسبات سرمایه داری مبارزه می کنند.

کارگران کمونیست!
حزب ما، سنگر اتحاد و شکل
حزب شما است.
حزب را از آن خود کنید!

امروز ادامه ارسال اسلحه و پول به شکل گذشته برای دول غربی ممکن نیست. بسیاری از کشورهای اروپایی مدتهاست از ته کشیدن تسلیحات خود بدلیل ارسال آنها به اوکراین و نیاز آنها برای حفظ امکانات نظامی جهت تامین امنیت خود میگویند. بعلاوه موج بازگشت در خود غرب و اعتراض به جنگ طلبی این دولتها، اعتراض به اختصاص پول و امکانات به اوکراین، در شرایطی که مردم در کشورهای غربی برای تامین زندگی با گرانی و فقر دست و پنجه نرم میکنند به معضلی و سدی در مقابل این دولتها تبدیل شده است. اتحاد اولیه دول غربی، سیل پیوسته کشورهای به ناتو، جان گرفتن ناتو و میلیتاریسم غرب، سیر نزولی پیدا میکنند و ناتو و آمریکا و جنگ در اوکراین و هارت و پورت اولیه نه تنها مدتهاست خوابیده است که بعلاوه این قطب چون دیوار شکسته ای شده است که ریزش و فاصله گرفتن از آن امری روزمره است. مهر شکست در این جنگ بر پیشانی همه شان کوبیده شده است.

کشتار و نسل کشی دولت فاشیست اسرائیل در فلسطین و سرازیر کردن پول و اسلحه به خاورمیانه به دولتی که راس قطب غرب و بازوی تامین قلدری و قدرت آمریکا در خاورمیانه است، نه تنها توجه به جنگ اوکراین را حاشیه ای کرده است، که تامین مالی و تسلیحاتی اوکراین را نیز به بن بست رسانده است. این واقعیتهای زلنسکی، عروسکی که در تمام این دوره طبق نقشه و سیاست غرب به راست راست و به چپ چپ کرده است، را به این نتیجه رسانده است که «دولتهای غربی به اوکراین خیانت کرده اند». امروز این حقیقت که جنگ در اوکراین برای غرب اساسا ابزاری برای تضعیف روسیه بود، اینکه برای آمریکا در دستیابی به این هدف تلفات انسانی مردم بیگناه اوکراین، نابودی زیر ساختها و ویرانی این مملکت، تحمیل فقر و فلاکت به مردم در سرتاسر جهان و تعمیق بحران اقتصادی و... ارزشی نداشت، به باور عمومی مردم در کشورهای غربی و در میان بخش اعظم مردم اوکراین تبدیل شده است.

رها کردن افسار دولت فاشیست اسرائیل در کشتار بیرحمانه مردم بیگناه فلسطین، در نوار غزه و کرانه باختری، جنایت و نسل کشی، ویرانی بیمارستان، مدرسه و اردوگاه پناهندگان، با خاک یکسان کردن نوار غزه و دفن کردن مردمش زیر آوار، کشتار وسیع و بیرحمانه کودکان فلسطینی، با این حکم که اینها «حیوانات انسان نما» هستند، در حمایت کامل دولتهای غربی، بخشا قرار است شکست میلیتاریسم آمریکا و متحدین غربی او در اوکراین جبران کند.

اما دامنه جنایت و توحش بی انتهای دولت اسرائیل در این نسل کشی، صحنه های تکان دهنده این جنایت که دیوار سانسور میدیای رسمی و دست راستی در غرب را شکسته است، به موج وسیع خشم و اعتراض مردم متمدن به این توحش را در سرتاسر جهان، از افریقا تا آمریکا و از آسیا تا اروپا دامن زده است. جنبشی جهانی علیه این نسل کشی که دول غربی را با پدیده های جدی و جدیدی روبرو کرده است. امروز در دل این دو جنگ که عاملین اصلی در پشت هر دو مورد میلیتاریزم بلوک آمریکا و ناتو خوابیده است، جز شکست این جبهه و فروریزی باور به قدرت و مشروعیت آنها چیزی در چشم انداز نیست. طی یکسال و نیم گذشته تبلیغات رسانه های غربی، تحریکات نژاد پرستانه و دامن زدن به روس هراسی، نفرت پراکنی از روس زبانان، ممنوع کردن کنسرتهای روسی در اروپا، سد کردن حضور بازیکنان و ورزشکاران روسیه در بازی های جهانی، دروغ و ریا و پرونده سازی ها چنان وسیع بود که بخشی از مردم در کشورهای غربی را کور و کبر کرده بود. هر فاشیست اوکراینی و هر جانی و آدمکش ضد روسیه به عنوان قهرمان «جهان متمدن» در آغوش گرفته شد. مردم جهان فراموش نمیکنند که در جنگ اوکراین پدیده نژاد پرستی در دولتها و رسانه های غربی چنان بیشمارانه و همه جانبه عروج داده شد. گزارش خبرنگاران میدیای رسمی که اینها مانند مردم سوریه و افریقا و عراق و... نیستند، اینها چشم آبی، مو بور، مسیحی و از نژاد اروپایی اند، چیزی که قبلا به عنوان نژاد پرستی ممنوع بود، را هنوز مردم به یاد دارند. پرچمهای اوکراین نه تنها بر دروازه پارلمان و دستگاه اداری دول غربی که بعلاوه در کوچه و خیابان به اهتزاز در آمد. زلنسکی این دلقک فاشیست، به عنوان «قهرمان دموکراسی غربی» به جهانیان معرفی شد، به مجالس و پارلمانها دعوت شد، رسانه ها در اختیارش قرار گرفت و پرچمدار دموکراسی غربی و نماینده دول غربی در منطقه شد.

اما آنچه دول غربی با امکانات وسیع مالی و نظامی و میدیایی ساختند، دوام چندانی نیابود و فرو ریخت. این فروریزی که بعد از ویرانی عراق، افغانستان و سوریه و لیبی، شروع شده بود، در جنگ اوکراین سرعت گرفت و در نسل کشی یک ماهه گذشته در فلسطین، چون ویرانه ای بر سر صاحبانش فروریخت. امروز دیگر با فروریختن دیوار عظیم توهم به «غرب»، به «دموکراسی» غربی، به پارلماناریسم و فرهنگ و اخلاق و تمدن در حاکمیت بازار آزاد به رهبری آمریکا، جهان دستخوش تحولی بزرگ، دستخوش رنسانسی جهانی برای دفاع از نفس انسان بودن، حق زندگی و حرمت برای بشریت و حقوق انسانی در مقابل میلیتاریزم و

توحش و بربریت حاکمیت بازار آزاد به رهبری غرب قرار گرفته است. مستقل از سرانجام نسل کشی در فلسطین، مستقل از بن بست و شکست ناتو و زلنسکی و دستگاه فاسدش در اوکراین، دولت فاشیست اسرائیل و دولت دست راستی اوکراین قربانیان جدال و تلاش غرب برای حفظ قدرت و هژمونی است که دیگر کسی توان سد کردن سقوط آنها ندارد. ادامه حیات دولتی فاشیستی، مذهبی اولترا راست در اسرائیل با تحولات در منطقه و نسل کشی اخیر و اعتراضات جهانی علیه آن، غیر ممکن است. این فاشیسم عریان و لجام گسیخته را دیگر حتی مردم اسرائیل نخواهند پذیرفت. دولت نتانیاهو بعد از نسل کشی خود نیز پایان می یابد. بعلاوه سرنوشت زلنسکی و دولت دست راستی اوکراین و گروههای فاشیستی مسلح در این جغرافیان نیز بهتر از نتانیاهو و همراهانش نخواهد بود. همین امروز زلنسکی نگران انتخابات و کنار رفتن خود از قدرت در اوکراین است و در مقابل آن به بهانه جنگ مقاومت میکند.

در اوکراین امروز دیگر غرب بازی را باخته است. تامین صلح و پایان آشتی را دیگر شکست خوردگان تعیین نمیکنند. اینکه روسیه چه امتیازات دیگری علاوه بر سرزمینهایی که به روسیه وصل کرده است را می طلبد و پروسه پایان جنگ چگونه پیش برود، هنوز باز است. ادامه وضع کنونی تا انتخابات بعدی آمریکا که بایدن و حکومتش به آن امید بسته اند، دیگر از اراده دول غربی خارج است و ممکن است آوار این شکست بر سر بایدن و حکومتش قبل از انتخابات تماما فروریزد. هنوز معلوم نیست پروسه و شکست میلیتاریسم آمریکا و شرکایش از دل خود چه جنگ و جنایاتی را رقم خواهد زد. خاورمیانه تبدیل به بشکه باروتی شده است، قبول شکست در اوکراین و پس لزره های آن برای آمریکا و ناتو، هزینه های سنگینی دارد. مخاطرات تلاش برای ادامه هژمونی آمریکا و عدم قبول موقعیت تنزل یافته کنونی، میتواند بشریت را وارد جنگهای جدیدی بکند. اما این کل داستان نیست. فروریزی میلیتاریسم غرب همراه خود، پرده از همه جنایات و جنگها و کشتارهای، ویرانی ها، نقشه های شوم، توطئه ها و توحشی که ابعاد آن باور نکردنی است، برمیدارد. چهره واقعی دموکراسی غربی به عنوان روبنای سیاسی دیکتاتوری عریان غرب و میلیتاریسم آن، برملا میشود. جایگاه سازمان ملل به عنوان ارگان خدمتگذار و بازیچه دست غرب، حقوق بشر و قوانین بین المللی، دادگاه لاهه و.. و نقش آنها برملا میشود. این فروپاشی عمیق و همه جانبه با قوانین و پارلمان، با فرهنگ و سنت و تاریخ با قوانین و قراردادهای و نظم کاپیتالیستی و... همراه خواهد بود. در دل این تحولات و شکستهای ملیتاریسم غرب و با بیداری که در خود آمریکا و اروپا شروع شده است، بار دیگر حق طلبی، انسانیت و حقوق انسان و حق زندگی و رفاه و بهداشت و درمان، خواست امنیت و پایان جنگ و جنایت و دیکتاتوری به جلو رانده میشود.

این واقعه مطلقا تشابهی به فروپاشی بلوک شرق که به پیروزی «دموکراسی بازار آزاد» به رهبری آمریکا منجر شد ندارد. امروز یک طرف جدی این جنگ طبقه کارگر و مردمی اند که اوج توحش و بربریت نظام کاپیتالیستی حاکم را می بینند و علیه آن به میدان آمده اند. این یک رنسان انسانی در غرب و در جهان است که جبهه پیروز در آن میتواند طبقه کارگر و مردمی باشد که به وسعت جهان به میدان آمده است و علیه بربریت و جنگ و جنایت و توحش این نظام در همه جا در حال اعتراض است. برنده این جدال قطب مقابل آمریکا، روسیه، چین یا دول منطقه نیست. برنده این جدال دولتهای مرتجعیتی که خود را به فلسطین و محرومیت مردم آن آویزان میکنند نیست. پرچم جهانیان در این جدال و در دل این فروپاشی صلح، آزادی و انسانیت است. تضمین آینده ای روشن هنوز در گرو عروج طبقه کارگر به عنوان پرچمدار تحولات انسانی و آزادیخواهانه در این دوره است. پیروزی در این دوره به عروج این طبقه و کمونیسم آن بستگی دارد. اما تا اینجا و از دل فروپاشی این توحش، پنجره ای بر آینده ای بهتر، انسانی تر، آزاد و برابر تر باز شده است، پنجره ای که باور به نیرو و توان مردم آزادیخواه، محروم و استثمار شوندهگان در آن نمایان است.

اعلام شنیع ترین شکل قتل عمداست!

مردم باید با صدای رسا به حکام قاتل اعلام کنند که
قتل دولتی حتی یک نفر را به هر جرمی نمی پذیرند.
این ماشین کشتار باید متوقف شود.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena